

آسیب‌شناسی وضعیت کنونی شیعیان هند

حمیدرضا فتح نجات (نویسنده مسئول)

دانشجوی دکتری شیعه‌شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب قم

hfathnejad@yahoo.com

علی الماسی

استادیار گروه معارف دانشگاه علوم پزشکی البرز

kashani.1496@gmail.com

تاریخ دریافت ۹۷/۲/۱۰ تاریخ پذیرش ۹۷/۶/۳

چکیده

قرون دهم تا سیزدهم هجری، برای جامعه‌ی شیعه‌ی هند به علت به دست گرفتن بخشی از حاکمیت این سرزمین پهناور، پرورش علمای بزرگ و در نهایت، آزادی نسبی آحاد شیعه در بیان اعتقادات خود، قرون درخشانی بود. رفته رفته از قرن سیزدهم به بعد، آن دوران طلایی رو به افول گذارد. چیزی که تاکنون، طی این دو قرن اخیر ادامه داشته است. عواملی چون دسیسه‌چینی انگلیسی‌ها پس از اشغال هند علیه مسلمانان، فشار اهل سنت هند به تشیع به عنوان بدعتی در دین، تجزیه‌ی پاکستان از هند و بالاخره نهضت‌های استقلال طلبانه‌ی هندوها علیه انگلیسی‌ها از مهم‌ترین دلایل تأثیرگذار بر اوضاع شیعیان در این سرزمین بوده است که عامل انحطاط جامعه‌ی شیعی در هند گردیده است. مقاله حاضر در نظر دارد تا با عنایت به این عوامل تنها به بررسی آسیب‌های وارد شده بر شیعیان بخصوص آسیب‌های سیاسی، اقتصادی، علمی، فرهنگی و... بارویکرد توصیفی - تحلیلی بپردازد.

واژگان کلیدی: آسیب‌شناسی، شیعیان هند، اسلام، دین، قاضی نورالله شوشتری، میرحامد حسین

مقدمه:

همزمان با ورود تشیع به هند که به اعتقاد برخی از مورخین، به قرن اول هجری بازمی‌گردد، چند قرنی به طول انجامید تا شیعه توانست خود را عنوان به گروه پویا و زنده، به دیگر آحاد هند نشان دهد. شیعیان هند دارای تاریخ بالنده‌ای هستند اما طی دو سه قرن اخیر دچار وضعیت نامناسبی در جامعه از لحاظ سیاسی، اقتصادی، علمی، دینی و اجتماعی شده‌اند به گونه‌ای که کمتر زمانی از تاریخ چند صد ساله شیعه هند چنین وضعیتی را به خود دیده است آنان اکنون متأسفانه شهروند درجه چندم هند به شمار می‌آیند. آسیب‌شناسی این وضعیت نامطلوب و عوامل آن می‌تواند زمینه را برای رفع آنها و ارتقای وضعیت پیش‌روی شیعیان ارتقا دهد.

در خصوص موضوع مورد نظر کتب و مقالات متعددی به نگارش درآمده است که از مهمترین آنها: کتاب «درسنامه جغرافیای تشیع؛ تشیع در جهان معاصر» نوشته ابوالحسن نوابی، کتاب «هند» گیله گل بهروزان، «آشنایی با کشورهای اسلامی» به قلم حسن روحانی اشاره نمود که در این کتب بحث از تشیع و شیعیان این سرزمین مورد بررسی قرار گرفته است.

از جمله مقالاتی که در زمینه موضوع مورد نظر نگارش شده است می‌توان به مقاله «شرایط اجتماعی و فرهنگی شیعیان در هند امروز» به نگارش داود کمیجانی اشاره نمود که وقایع دو قرن اخیر، استعمار انگلیس، از بین رفتن حکومت‌های محلی شیعی، جدایی بخش اعظمی از مناطق مسلمان نشین هند و... رامی‌توان از عوامل به انزوا کشیده شدن شیعیان هند برشمرد که به بررسی اوضاع اقتصادی و فرهنگی جامعه شیعه هند پرداخته است.

مقاله «عوامل گسترش اسلام و مذهب اهل بیت علیهم السلام در شبه قاره»، به قلم مهدی علیزاده موسوی که به واکاوی شرایط نامناسب سیاسی، مذهبی، فرهنگی و اجتماعی هند و گسترش اسلام و مذهب در این ناحیه پرداخته است. و مقاله حدوداً سه صفحه‌ای «اوضاع شیعیان هند در عصر حضر/ امروز هندیان شیعه» نوشته عبدالعلی آراسته که به بررسی اوضاع شیعیان هند پرداخته است اشاره نمود.

مقاله حاضر درصدد است تا ضمن ارائه تعریفی از تشیع و فرق شیعی این کشور به بیان آسیب‌های پیش‌روی شیعیان (سیاسی، اقتصادی، علمی و...) پرداخته و به خوبی گویای نقطه عطف قابل توجهی از وضعیت شیعه بخصوص در دوران معاصر در هند باشد. لذا جدای از تمامی پژوهش‌های ارزشمند صورت پذیرفته در این زمینه، آنچه این نوشتار را از سایر نوشته‌های قبلی در این خصوص، متمایز می‌نماید آسیب‌شناسی وضعیت شیعیان معاصر هند می‌باشد چرا که با عنایت به جایگاهی که این شیعیان در قرون دهم تا سیزدهم از آن برخوردار بودند همینک در وضعیت شایسته‌ای نسبت به گذشته خود قرار ندارند.

۱- مبانی نظری و تعاریف

برای پی بردن به اصل موضوع، بررسی لغوی و اصطلاحی واژگان مرتبط با آن ضروری می‌نماید؛ لذا در این مبحث این پیش‌فرض‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱-۱- تشیع

از لحاظ لغوی، تشیع مصدر باب تفعیل، از ش ی ع- و به معنای «شیعه‌ی فردی بودن، یعنی از اتباع و یاران او بودن» به کار رفته است. (شیعه الرجل: أتباعه و أنصاره). صحاح در معنای لغوی این واژه می- نویسد: تَشِيعُ الرَّجُلُ، یعنی فرد ادعای شیعه بودن کند. (جوهری ۱۴۱۰، ۱۲۴۰/۳) در مفردات، شیعه را به کسی می‌گویند که بواسطه‌ی آن، انسان تقویت می‌شود و می‌تواند خود را [افکار خود را] منتشر کند و گسترش دهد. (راغب اصفهانی ۱۴۱۲، ۴۷۰)

به هر حال آنچه موجب شیوع، گسترش، تقویت و همراهی می‌شود، از معانی لغوی شیعه بودن است. از لحاظ اصطلاحی، دو گونه اطلاق وجود دارد. که در ابتدا لازم است، در آنچه در بسیاری از روایات امامیه از آن به عنوان شیعه تعبیر می‌کنند، از آنچه در علم کلام اسلامی- و به تبع آن دیگر علوم همچون علوم سیاسی و جامعه‌شناسی- اصطلاح شده است، تفکیک به عمل آید. در نگاه روایات اهل البیت- علیهم السلام- شیعه به کسی اطلاق می‌شود که نه تنها از لحاظ اعتقادی، درجه‌ی بالایی

از ایمان را دارد، بلکه از لحاظ عملی هم بسیار ملتزم به شریعت و دستورات دینی است و پیرو حقیقی اهل البیت-علیهم السلام- هستند. طبیعتاً چنین افرادی کم بلکه نادر هستند. اما در نگاه کلامی و نیز علوم سیاسی، شیعه به افرادی اطلاق می‌شود که معتقد به امامت و خلافت بلافصل حضرت امیر-علیه السلام- هستند. البته اخیراً نگاهی در جهان در حال رواج یافتن است که به تمام کسانی که مسلمانند اما سنی نیستند، به گونه‌ای شیعه اطلاق می‌شود. با این نگاه، نه تنها زبیدی شیعه است، بلکه علوی‌ها و نصیری‌ها هم شیعه هستند. با این پیش فرض، شیعه را می‌توان این چنین تعریف نمود که:

«به پیروان حضرت علی- علیه السلام- و خاندانش و کسانی که معتقد به جانشینی بلافصل آن حضرت بعد از پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله و سلم-، و نص ولایت او در غدیر خم از طرف پیغمبر می‌باشند، گفته می‌شود». (جعفری ۱۳۷۳، ۲۷۱)

میرسیدشریف نیز در کتاب *تعریفات* این واژه را چنین تعریف می‌کند:

«(الشیعه) هم الذين شايعوا علياً رضي الله عنه و قالوا انه الامام بعد رسول الله و اعتقدوا ان الامامة لا تخرج عنه و عن اولاده». (جرجانی ۱۳۷۰، ۵۷)

به تبع او، این معنا و یا شبیه آن در بسیاری از کتب کلامی تکرار شده است و منظور از شیعه در این نوشتار، همین معنای اصطلاحی دوم است.

۱-۲- هند

کشور هند پرجمعیت‌ترین کشور جهان پس از چین و کشوری پهناور واقع در آسیای جنوبی است که از یکسو به رشته کوه‌های هیمالیا و از دو سوی دیگر به اقیانوس هند محدود می‌شود. از شمال به جنوب حدود ۲۹۰۰ کیلومتر و از شرق به غرب حدود ۲۶۵۰ کیلومتر وسعت دارد. از زمانی که در سال ۱۹۴۷ به استقلال از حاکمیت انگلستان دست یافت، حکومتی به شکل پارلمانی داشته است و هر یک از بیست و پنج ایالتش مجلس قانون‌گذاری و حکومت منتخبی خاص خود دارد. حدود ۸۰٪ تا ۸۲٪ جمعیت هند را هندوها، ۱۲٪ تا ۱۶٪ را مسلمانان، ۲/۵٪ مسیحی، ۲٪ سیک و ما بقی را بودایی و چین تشکیل می‌دهند. ن.ک: (ورشنی ۱۳۸۳، ۱۴۲۲)

کشوری با جمعیت بیش از یک میلیارد و دویست میلیون نفر در سال ۲۰۱۰ که پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۱۶ پر جمعیت‌ترین کشور جهان (حتی بالاتر از چین) باشد، که با میانگین حدود ۱۵٪ درصد جمعیت مسلمان، حدود ۱۸۰ تا ۲۰۰ میلیون نفر خواهند بود.

۱-۳- دین

واژه‌ی دین جمع ادیان و در لغت به معنای متعددی از قبیل اطاعت و فرمانبرداری (جوهری ۱۴۱۰، ۱۱۸/۵) (ابن منظور ۱۴۱۴، ۱۶۶/۱۳)، حکومت و مالکیت (فراهیدی ۱۴۱۰، ۷۳/۸) (طریحی ۱۴۱۶، ۲۵۱/۶)، برتری، سلطه و اقتدار به کار رفته است. (جزری بی تا، ۱۴۸/۲) (واسطی زبیدی ۱۴۱۴، ۲۱۷/۱۸) واژه مذکور همچنین در معنای اسلام نیز به کار گرفته شده است. (ابن منظور ۱۴۱۴، ۱۶۹/۱۳) در قرآن کریم از این واژه با معانی متعدد: ۱. آیین و کیش اعم از حق و باطل؛ ۲. آیین الهی و حق؛ ۳. جزا و حساب؛ ۴. قوانین و شریعت؛ ۵. اطاعت و عبودیت؛ ۶. اعتقادات قلبی؛ ۷. اسلام؛ یاد شده است.

با دقت در آیات قرآنی آشکار می‌شود که واژه‌ی دین هرگز در قرآن به صورت جمع (ادیان) به کار برده نشده است. دین خدا از آدم تا خاتم یکی است و همه‌ی پیامبران مردم را به یک دین فرامی‌خواندند که این دین واحد، در هر دوره‌ای به فراخور درک مردم روزگار ابلاغ شده است. قرآن این دین واحد را اسلام معرفی می‌کند. (کرم الهی ۱۳۹۰، ۱۹۹-۲۰۰)

با عنایت به مطالب مطرح شده می‌توان دین را مجموعه‌ای از اعتقادات، نمادها و رویه‌ها (مانند مناسک) دانست که بر پایه‌ی امر مقدس قرار دارد و معتقدین را درون یک جامعه‌ی اجتماعی - مذهبی متحد می‌سازد. امر مقدس در مقابل امر دنیوی قرار می‌گیرد، زیرا احساس ترس توأم با احترام را در بر دارد. (مارشال ۱۳۸۸، ۱۰۰)

علامه طباطبایی در اثر معروف خود «شیعه در اسلام» تعریفی این چنین، از دین ارائه می‌دهد: «مجموع این اعتقاد و اساس (اعتقاد در حقیقت انسان و جهان) و مقررات متناسب با آن که در مسیر زندگی مورد عمل قرار می‌گیرد، دین نامیده می‌شود و اگر انشعابی در دین پیدا شود، هر شعبه را مذهب می‌نامند مانند مذهب تسنن و... بنابر آنچه گذشت، هرگز انسان (اگر به خدا نیز معتقد نباشد) از

دین (برنامه‌ی زندگی که بر اصل اعتقادی استوار است) مستغنی نیست، «پس دین همان روش زندگی است و از آن جدایی ندارد». (طباطبایی ۱۳۸۸، ۲۱)

۱-۴ آسیب‌شناسی

آسیب در لغت به معنای آفت، بیماری، زخم، عیب، آزار، رنج، اختلال و خطر به کار رفته است. (معین ۱۳۸۶، ذیل واژه آسیب) و آسیب‌شناسی یعنی شناخت درد و رنج و خسارت (عمید ۱۳۹۰، ذیل واژه آسیب) که در اصطلاح به آن دسته از علل و اختلالاتی اطلاق می‌شود که وجودشان تداوم و حرکت پدیده‌ای را تهدید می‌کند، و آن را از رسیدن به اهداف و آرمانش باز می‌دارد و یا از کارآیی لازم می‌اندازد، برخی در تعریف آسیب گفته‌اند: «منظور از آسیب، عاملی است که سبب اختلال و ناهنجاری‌ها و آفت در پدیده‌ها می‌شود و گاهی به خود اختلالات، آسیب گفته می‌شود» (رشاد و حاجی ده ۱۳۸۷، ۴۳۳)

۲- معرفی جامعه‌ی کنونی شیعیان در هند

شیعیان هند هم اکنون، جمعیتی بین ۲۵ تا ۳۰ میلیون نفر دارند و این تعداد شیعه، نسبت به دیگر کشورها جمعیت زیادی است و حدود ۲/۵٪ از جمعیت یک میلیارد و دویست میلیون نفری هند را تشکیل می‌دهند. (تقریباً هم تعداد با مسیحیان این کشور)

در مورد آمار و تعداد مسلمانان و شیعیان هند، دیدگاه‌ها و نقل‌های متفاوتی ذکر شده است که گاه، این تعداد را به زیر ده میلیون نفر برای شیعیان و حدود یکصد و ده میلیون نفر برای کل مسلمانان می‌رساند و گاه تعداد شیعیان را نزدیک به هشتاد میلیون نفر و اهل سنت را بیش از دویست میلیون نفر می‌داند. اما در صورت دوری از افراط و تفریط چه بسا بتوان میانگین حدود ۱۵٪ از جمعیت هند را مسلمان دانست که تعداد آنها حدود ۱۸۰ تا ۲۰۰ میلیون نفر خواهند بود. در این میان جمعیت شیعیان که طبق اعتقاد علما و روحانیون شیعه در هند، حدود ۱۵٪ از جمعیت مسلمانان شیعه هستند، به حدود سی میلیون نفر می‌رسد. با این جمعیت، هند از کشورهایی خواهد بود که بیشترین شیعیان را در خود جای داده است. در مجموع، جمعیت شیعیان که طبق اعتقاد علما و روحانیون شیعه در

هند، حدود ۱۵٪ از جمعیت مسلمانان شیعه هستند، به رقم حدود ۳۰ میلیون می‌رسد. ن.ک: (نواب ۱۳۹۳، ۱۷۱/۱)

۳-۲- فرق شیعه در هند

۳-۱- شیعی اثناعشری

شیعیان هند اغلب پیرو مذهب جعفری هستند و لکنهو که به عنوان یکی از شهرهای مهم هند به شمار می‌رود، مرکز و کانون فعلی شیعی اثناعشری در هند است. در این شهر، بخش مهمی از آثار شیعه از قبیل مساجد و حسینیه‌ها موجود است. شیعیان سراسر هند برای یافتن پاسخ مسائل دینی و علمی و حتی سیاسی به این مرکز مراجعه می‌کنند. مراسم عزای حسینی در ایام محرم و سایر مراسم ویژه‌ی شیعیان، هر سال در این ناحیه برپا می‌شود. البته هم اکنون در تمام نقاط هند، شیعیان به چشم می‌خورند و هیچ شهری در هند وجود ندارد که شیعه در آن زندگی نکند. حدود سی و پنج درصد مسلمانان هند، شیعی هستند که اکثر آنان اثناعشری و تعداد کمی از آنها پیرو فرقه اسماعیلیه‌اند.

۳-۲- شیعیان بُهره

اسماعیلی‌های مستعلیه داوودی یکی از بزرگترین فرقه‌ی شیعی هندوستان است که به بُهره‌ها شهرت یافته‌اند. هر چند که بُهره‌ها خود ترجیح می‌دهند از آنان با نام جامعه‌ی شیعیان اسماعیلی طیبی یاد شود، ولی خود همواره نام طایفه را در گفت‌وگوهای محاوره‌ای به کار می‌برند. براین اساس، جماعت اسماعیلیان گجرات را به این دلیل بُهره نامیدند که در اصل آنها جامعه‌ای تجارت پیشه بودند. بنابر وجه تسمیه‌ی دیگری، به‌ره‌ها چون از طبقه کاست، وُقره هندوها بودند به این نام خوانده شدند.

پیروان این فرقه تا امام صادق(علیه السلام) را به عنوان امام پذیرفته بودند و پس از آن به اسماعیل فرزند ارشد امام صادق(علیه السلام) اقتدا کردند. شیعیان اسماعیلیه، اسماعیل را امام هفتم خود می‌دانند. اسماعیل پنج سال پیش از شهادت امام صادق(علیه السلام) فوت کرد و اکنون مزارش در بقیع می‌باشد. اینان نوعی زبان گجراتی دارند که آمیزه‌ای از واژه‌های عربی و اردو است.

اسماعیلی‌های مستعلیه داوودی یا همان بُهره‌ها، با روی کار آمدن حکومت فاطمیان مصر، از قدرت بسزایی برخوردار گردیدند و مبلغانی از سوی خود به سراسر پهنه اسلامی اعزام کردند. پس از مرگ

المستنصر هشتمین خلیفه‌ی فاطمیون، اختلافاتی میان آنان پیش آمد. گروهی نزار فرزند بزرگ وی، را رهبر اسماعیلیه بشمار آورده و گروهی دیگر مستعلی فرزند کوچک، را پذیرفتند. از اینجا بود که انشعاب اسماعیلیه آغاز گردید. پیروان نزار، نسل آقاخانیان امروزی را تشکیل دادند که حسین صباح مشهورترین پیشوای آنان، در قرن ششم هجری - دوران حکومت سلجوقیان - در ایران قیام کرد و قلعه‌ی الموت را به عنوان پایگاه خود قرار داد. پیروان مستعلی که امروزه به مستعلیون شهرت دارند، از آنها به بُهره‌ها یاد می‌گردد. آنها در قرن ششم ابتدا به یمن و از آنجا به هند مهاجرت کردند.

فرقه‌ی اسماعیلیه به علت قدرت مالی و تجاری، یکی از فرقه‌های شیعی با نفوذ در جهان اسلام است. بدون تردید بُهره‌های نخستین، به علت ارتباط دقیق با مبانی اسماعیلیه، مذهب شیعه اسماعیلی داشتند، اما با ایجاد شرایط سیاسی منفی علیه آنان، محدودیت‌های سخت از سوی سنیان افراطی و رهبران سیاسی سنی هند در ایالت گجرات، موجب تار و مار این قوم گردید که به اجبار برای ادامه حیات خویش به سوی مذهب تسنن سوق داده شدند. پیروان فرقه اسماعیلیه چندین دهه از تبلیغ شیعی فاطمی - اسماعیلی خود به دور بودند که موجب تغییرات در روش اجرای فریضه‌های آنان همچون نماز گردید.

با یورش ظفرخان مظفر به گجرات، در ۷۹۳ هجری، به فرمان محمدشاه سوم، سلطان تغلقی، اوضاع جماعت بُهره وخیم‌تر شد. ظفرخان به اشاعه مذهب اهل سنت پرداخت و نخستین حکمران گجرات بود که به سرکوبی شیعیان قلمرو حکومت خود برخاست. سپس در زمان پسر و جانشین ظفرخان، احمد اول (۸۱۴-۸۴۶)، بهره‌های اسماعیلی به شدت مورد تعقیب و آزار قرار گرفتند. در این دوره، بُهره‌ها به تقیه پرداختند و در ظاهر به بسیاری از تکالیف مذهبی اهل سنت گردن نهادند. در همین حال، انشقاق مهمی در جامعه بهره‌های اسماعیلی پدیدار گشت و سبب گرویدن عده‌ای از جماعت بهره‌ها به مذهب اهل سنت شد. از آن زمان، بهره‌های اسماعیلی و بهره‌های سنی از هم متمایز شدند. ظفرخان پس از اورنگ زیب در سال ۷۹۳ هـ.ق به سرکوب گسترده‌ی آنان به عنوان شیعیان پرداخت. در اینجا بود که برخی از بُهره‌ها انشقاق یافتند، برخی سنی شده و گروهی دیگر دست به تقیه زدند. بُهره‌ها پس از پنج قرن تقیه در فرایض شیعی خود، بالاخره در قرن دوازدهم از آزادی مذهب در هند

برخوردار شدند. جمعیت این طایفه کاملاً مشخص نیست. جمعیت آنها حدوداً بین پانصد هزار نفر تا کمتر از دو میلیون نفر در هند ذکر شده است، کماکان در اقلیت بوده و بالاجبار در برابر خیل عظیم مسلمانان سنی، دست از تقیه بطور کامل بر نداشته است. (www.shia-
[news.com/fa/news/](http://news.com/fa/news/139269461) (۱۳۹۲ ۶۹۴۶۱) (www.wikifegh.ir) (۱۳۹۵))

البته ممکن است نحله‌های دیگری از شیعیان در هند موجود باشند، اما به علت اینکه جمعیت زیادی ندارند از ذکر آن خودداری می‌شود.

پس از ارائه‌ی تاریخچه‌ای از حضور و تاثیرگذاری شیعیان در هند و معرفی اجمالی شیعه در هند، نوبت به دو مسأله‌ی کلیدی و اصلی این نگارش می‌رسد و آن: ۱. توصیف وضع نابسامان شیعه در هند و بررسی علل این وضعیت؛ ۲. ارائه‌ی راهکاری مناسب جهت ارتقاء وضع شیعه و رسیدن به نقطه‌ی حداقلی مطلوب. ناگفته پیداست که رسیدن به دوران طلایی شکوفایی شیعه در قرون نهم تا دوازدهم هجری بعید به نظر می‌رسد و هدف از ارتقای وضع موجود، رساندن شیعیان هند به سطح حداقلی یک شهروند عادی و درجه یک هند است. در این راستا منظور از شهروند درجه یک و دو در نظام طبقاتی هند نیست، بلکه منظور همان معنای متعارف از شهروندی در ادبیات سیاسی و اجتماعی است.

۴- آسیب‌های پیش‌روی شیعیان معاصر

در آسیب‌شناسی وضعیت نامناسبی که برای شیعیان هند به وجود آمده است عوامل مختلفی دخیل می‌باشد که برخی از آنها عبارتند از: ۱. انحطاط سلسله گورکانیان: در زمان گورکانیان که پادشاهی مغول و شیعی بودند شیعه در اوج به سر می‌برد اما این سلسله به دلایل مختلف داخلی و بیرونی مضمحل گشت و به همین دلیل بالتبع در افول جایگاه شیعیان در هند تأثیر بسزایی داشت. ۲. فشار اهل سنت هند به شیعیان: اهل سنت در هند شیعه را به عنوان یک مذهب رسمی مسلمان نگاه نمی‌کرد بلکه آن را خارجی می‌شمرد. در این راستا شیعیان و علمای آنها متحمل فشارهای زیاد شدند. به عنوان نمونه مرحوم شهید ثالث (قاضی نور الله شوشتری) توسط اهل سنت به وضع بسیار فجیعی به شهادت رسید. ۳. مهاجرت علمای بزرگ هند به نجف: در قرون یازدهم، دوازدهم و

سیزدهم هجری علمای شیعی بزرگی در هند می‌زیستند اما به دلیل فشار اهل سنت و همچنین از میان رفتن سلسله گورکانیان (به عنوان حامی شیعیان) بسیاری از علمای هند به نجف مهاجرت کردند. و این مهاجرت موجب از بین رفتن مدرسه کلامی‌ای بود که طی قرون مذکور در هند به وجود آمده بود. لذا کم‌کم شیعیان هند بزرگ‌ترین حامیان خود که همان علما بودند را این گونه از دست دادند و روبه ضعف گذاشتند. ۴. فقر اقتصادی شیعیان: در برهه‌ای از تاریخ حدود دو سه قرن پیش یکی از مهمترین حامیان حوزه نجف از لحاظ اقتصادی شیعیان هند بودند. تاریخ گویای این است که بخش عمده‌ای از مخارج حوزه نجف در آن زمان از تاریخ توسط آنها تأمین می‌شد اما اکنون وضع به گونه‌ای است که نه تنها غالب آنها توان حمایت از حوزه نجف را ندارند حتی توان حمایت از علما و روحانیون مستقر در هند را هم ندارند. بلکه وضع به گونه‌ای است که چه بسا بتوان گفت بسیاری از آنها از لحاظ اقتصادی در فقر مطلق به سر می‌برند و نیازمند کمک مالی دیگران‌اند. جدای از این عوامل، بسیاری از آسیب‌ها نیز در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، علمی و... متوجه شیعیان هند گردیده است که در این مقاله درصدد بررسی این موارد هستیم.

۴-۱- آسیب سیاسی

هند اتحادیه‌ای از ایالات و مناطق متحد است که با نظام حکومتی پارلمانی اداره می‌شود. این جمهوری براساس مقررات قانون اساسی که توسط مجلس مؤسسان ۱۹۴۹ تصویب شده عمل می‌کند. (بهروزان ۱۳۷۹، ۲۳۵) ساختمان سیاسی و قانون اساسی هندوستان رسماً در ژانویه ۱۹۵۰ در طی یک منشور ملی اعلام گردید. هندوستان خود را یک اتحادیه یا دولت جمهوری نامید. دولت جمهوری دموکراتیک ممتاز. (بازرگان بی تا، ۲۱۶)

قانون اساسی حاکم در هند، طولانی‌ترین قانون اساسی مکتوب در جهان است. برخی از قوانین موجود در متن قانون اساسی هند در دیگر کشورها جزو قوانین عادی می‌باشد و نه جزو قانون اساسی. در قانون اساسی هند آزادی بیان و آزادی مذهب نیز ذکر شده است. (بهروزان ۱۳۷۹، ۲۳۷)

طبق قانون اساسی هند، همه مذاهب و از جمله شیعه و سنی آزادند و می‌توانند با تشکیل احزاب، فعالیت سیاسی و حتی مذهبی داشته باشند و آیین خود را تبلیغ و ترویج نمایند. البته این آزادی عمل مشروط به عدم مزاحمت برای سایر فرقه‌ها می‌باشد. (محمدی و اشرفی ۱۳۹۳، ۲۰۹)

امروزه در جهان بیش از ۱۸۰ کشور وجود دارد که هند با اکثر آنان دارای روابط سیاسی است. این کشور با دستیابی به استقلال در سال ۱۹۴۷ به ابتکار نهر و سیاست عدم تعهد را در پیش گرفت. هر چند بعد از خروج استعمارگران و جنگ دوم جهانی، منطقه آسیا به میدان رقابت امریکا و شوروی مبدل شد، اما کشور هند به پیروی از همان سیاست که معتقد بود هر نوع تغییر و تحولی، آثار و عوارض مستقیمی بر مصالح آن کشور خواهد داشت، با حفظ مناسبات صلح جویانه و متعارف با هر دو قدرت امریکا و شوروی، قبل از هر چیز خواستار برقراری امنیت و ثبات در منطقه بود. هند همواره تاکنون از حمایت و گرایش خاصی به یک قدرت بین‌المللی اجتناب کرده و در دوران جنگ سرد نیز سعی در ایجاد توازن نموده است. (بهروزان ۱۳۷۹، ۲۶۷)

اما متأسفانه شیعیان از نظر سیاسی، در هند جایگاه ویژه‌ای ندارند. البته در شرایط جدید، یعنی پس از رأی آوردن حزب جاناتا در سال ۲۰۱۴ و شکست حزب کنگره، وضعیت سخت‌تری برای مسلمانان می‌توان تصور کرد. دلیل این مسأله هم در تمایلات ضد اسلامی حزب جاناتا است. در واقع، حزب مذکور یکی از احزاب منطقه‌ای است که پس از افول حزب کنگره در دهه‌ی نود قرن گذشته، با تمایلات هندویی و ضد اسلامی، رشد زیادی نمود و خود را تبدیل به یک حزب ملی کرد. طی این دو دهه نیز توانسته است چند مرتبه، حزب کنگره را شکست دهد و قدرت را به دست گیرد. شکست اخیر یکی از سنگین‌ترین شکست‌ها بوده است و حزب کنگره قادر نبوده حتی صد کرسی از کرسی‌های حدوداً پانصد و پنجاه تایی مجلس عوام را به دست آورد. در نتیجه حزب بهاراتا جاناتا می‌تواند با قدرت بیشتر و آزادی عمل بیشتری، سیاست‌های خود را در هند اعمال کند که یکی از آنها سیاست مخالفتشان با مسلمانان است. (www.kayhan.ir/fa/news/ ۱۳۰۰۰ ۱۳۹۳)

البته در این میان ذکر این نکته لازم است که این سیاست ضد مسلمانی در دهه‌ی اخیر کمی تعدیل یافته است و چه بسا از خصومت هندویی با مسلمانان کاسته شده است. و همین مخالفت نیز بیشتر بر اهل سنت، به عنوان اکثریت مسلمانان است و کمتر متوجه شیعیان شده است.

۴-۲- آسیب اقتصادی

هند به عنوان پنجمین اقتصاد بزرگ جهان از همان زمان استقلال به دنبال پیشبرد صنایع خود بوده است. اگر چه اقتصاد کشور هند عمدتاً براساس کشاورزی است، اما این کشور با طرح و اجرای برنامه‌های توسعه پنج ساله موفق شده که به سطح کشورهای صنعتی جهان ارتقا یابد و به پیشرفت چشمگیری در انواع زمینه‌های صنعتی برسد. ر.ک: (بهروزان ۱۳۷۹، ۲۰۵-۲۱۳)

اما با توجه به جمعیت روزافزون هند، مشکل بیکاری همواره بصورت یکی از مسائل مهم اجتماعی مطرح بوده است و بر اقتصاد این کشور تأثیر گذاشته است. چرا که امکان اشتغال و وجود شغل باعث می‌شود تا فرد و خانواده‌ی او قدرت کسب کنند، بتوانند امرار معاش کرده و نیز نیازهای اولیه‌ی خود را از طریق تهیه‌ی اسباب و لوازم مورد نیاز خود برطرف کنند و آسایش آنها تأمین شود. بعلاوه، کسب درآمد باعث فراهم شدن فرصت سرمایه‌گذاری برای فرد می‌شود. که این سرمایه‌گذاری‌ها می‌تواند برای رشد اقتصادی بسیار ضروری و حیاتی باشد. حال با رواج بیکاری و نبود شغل آن هم در کشور پر جمعیتی همچون هند می‌توان به روشنی پیش زمینه‌ای در خصوص وضعیت اقتصادی این کشور داشت. (محمدی و اشرفی ۱۳۹۳، ۲۰۷)

هند در طول دوران خود با نظام‌های اقتصادی متفاوتی مواجه بوده است. در زمان شوروی سابق این نظام بر پایه نظام سوسیالیستی اداره می‌شد که با فروپاشی شوروی سابق، این نظام جای خودش را به نظام سرمایه‌داری و اقتصاد آزاد داد به طوری که تأثیرات این نظام در وجود شکاف بین مردم فقیر و ثروتمند را می‌توان به خوبی مشاهده کرد. البته ناگفته نماند که کشور هند در حال توسعه هنوز هم به سیاست‌های گذشته خود وابستگی دارد. این کشور پس از استقلال اگر چه بر تولید داخلی تأکید بسیاری می‌نمود و رهبران آن نیز هدایت کننده مردم در این مسیر بودند اما به رغم تمامی این اقدامات هنوز هم هندوستان نتوانسته است به صورت کامل از گیر و بند اقتصاد صرفاً دولتی خارج شوند. با

فروپاشی شوروی و جدا شدن هند از بلوک شرق اقتصاد هند به سمت اقتصاد آزاد تغییر جهت داد. این کشور با هدایت رهبران فهیم هند و اجرای اصلاحات اقتصادی و سیاست‌های صنعتی تغییرات اساسی را در ساختار اقتصادی خود ایجاد نمودند. (سجادی پناه ۱۳۹۰، ۱۶۵، ۱۴۳)

در این میان مسلمانان این سرزمین نیز از این تغییر و تحولات بی‌نصیب نبودند. مسلمانان هند از نظر کیفیت زندگی، بیکاری، فقدان مسکن در ردیف طبقات و کاست‌های پایین جامعه، و به گفته برخی تحلیل‌گران در مجموعه طبقات معروف به نجس قرار دارند. ن.ک: (جمشیدی بروجردی ۱۳۷۲، ۳۷)

اگر چه مسلمانان در مناطق روستایی نسبت به مناطق شهری از وضعیت اقتصادی بهتری برخوردارند؛ به نحوی که میزان فقر مسلمانان در شهرها، بیشتر از سایر گروه‌های جمعیتی حتی شامل طبقه پایین هندها است. در میان مسلمانان، سیستم کاستی وجود ندارد، و آنان به سه گروه اشرف، اجلف و ارزال تقسیم بندی می‌شوند. گروه اشرف، طبقه بالاتری از مسلمانان و همان عرب تبارها هستند در حالی که اجلف‌ها هندوهایی هستند که برای رهایی از سیستم طبقاتی هندی به اسلام گراییده‌اند و گروه سوم از مسلمانان، ارزل‌ها، متعلق به پایین‌ترین طبقه هندوها هستند. (روحانی ۱۳۸۸، ۲۴۹)

به طور کلی نیز می‌توان گفت که اگر چه دولت استقلال یافته هندوستان توانسته است موفقیت قابل تحسینی در تأمین وجوه و اعتبارهای لازم جهت برنامه‌های توسعه و تولید خود بدست آورد ولی نتوانسته با تحریک نیروهای کارگری و بیکار و تجهیز منابع طبیعی احتیاجات برنامه‌های خود را تأمین نماید چرا که تدابیری که اندیشیده است بیشتر به سود طبقات مرفه و متمکن و به زیان کشاورزان و طبقات متوسط بوده است. (بازرگان بی تا، ۲۷۶)

۴-۳-آسیب علمی

کشور هندوستان از دیرباز کشوری مرکزی برای آموزش بوده است. از سال‌ها پیش، دانشوران متعددی به تدریس موضوعات مختلفی نظیر مذهب، داروشناسی، ادبیات، تئاتر، هنر، نجوم، ریاضیات و جامعه‌شناسی از کتاب مقدس بوده‌اند. در طول قرون وسطی نیز در زمینه‌هایی چون علم اخلاق، مذهب، فلسفه، زیباشناسی، معماری، ریاضیات، نقاشی، پزشکی و نجوم روابط صمیمانه‌ای میان سنت‌های

هندو اسلامی برقرار گردیده بود. البته به دنبال باز شدن پای انگلیسی‌ها به این کشور و حمایت

مأمورین اروپایی، آموزش رسمی به عرصه ظهور درآمد. (کلاهدوزی ۱۳۹۰، ۱۲۵)

طی ۵۰ سال اخیر کشور هند، به پیشرفت‌هایی در زمینه‌های مختلف علمی و فنی نایل آمده است.

این کشور به رغم اختلاف فاحش میان توان اقتصادی آمریکا و هند از لحاظ توسعه مراکز آموزش

عالی و حجم تحقیقات علمی، رشدی معادل ایالات متحده آمریکا داشته است به گونه‌ای که در حال

حاضر سومین قدرت تحقیقاتی جهان به شمار می‌آید. (سجادی پناه ۱۳۹۰، ۱۶۶)

امروزه نظام آموزش عالی هند از ارزش و اعتبار بین‌المللی برخوردار می‌باشد. اما آموزش در میان

مسلمانان هند مسأله‌ای است که اگر چه مورد تأکید بسیار آنان می‌باشد اما عقب افتادگی آموزش در

بخش بزرگی از جامعه‌ی مسلمان هند به وضوح دیده می‌شود و مسلمانان آرزو دارند تا این مسأله

به زودی رفع شود. جامعه‌ی مسلمان هند برای حل این مسأله بسیار تلاش نموده است. به نظر

می‌رسد مؤسسات خصوصی اقلیت‌ها و مدارس علمیه تنها گزینه‌های موجود پیش‌روی جامعه‌ی

مسلمان هند جهت بهبود وضعیت آموزشی خود می‌باشند. (محمدی و اشرفی ۱۳۹۳، ۲۱۱)

متأسفانه شرایط پیش‌روی مسلمانان به گونه‌ای است که اکثر آنان انگیزه لازم برای رسیدن به جایگاه-

های بالا را ندارند. برخی از کارشناسان بر این عقیده‌اند که تقسیم شبه قاره هند عامل مهمی در عقب

ماندگی مسلمانان بوده است. چرا که اکثر مسلمانان باسواد و مرفه به دنبال جدایی هند از پاکستان،

به پاکستان مهاجرت کرده لذا همین عده‌ای هم که در هند باقی مانده‌اند اغلب فقیر و بی‌سواد

هستند. ر.ک: (اخبار شیعیان ۱۳۸۵، ۳) لذا اگر سطح سواد و تخصص مسلمانان بالا بود، باید در

عرصه‌های مختلف آموزشی، دانشگاهی، فرهنگی و هنری بروز و ظهور بیشتری می‌داشتند اما متأسفانه

این چنین نیست. (مظفری ۱۳۹۰، ۸)

به رغم موانع حقوقی مسلمانان هندوستان که از نظر اقتصادی وضعیت مطلوبی ندارند از سال ۲۰۰۵

تاکنون سه مرتبه با افزایش سهمیه خود در نظام آموزشی رو به رو بوده‌اند و با حکم موقت دادگاه

عالی آنها امیدوارند که از مزایای اجتماعی و اقتصادی دائمی سود ببرند. این حکم همچنین می‌تواند

میزان حضور مسلمانان را در بخش آموزش عالی افزایش دهد. (سجادی پناه ۱۳۹۰، ۱۴۳)

۴-۴- آسیب فرهنگی و اجتماعی

قشر اجتماعی با کاست بالای هند، توده‌های مردم و نفوذ فرهنگ خارجی از عناصر مهم و مؤثر تمدن بشری و تشکیل دهنده فرهنگ هند به شمار می‌آیند. عنصر نخست که در کسوت روحانی یا حکومتگر، علی‌رغم تعداد اندک خود، هدایت‌کننده اندیشه هندی بوده‌اند. عنصر دوم که در مقابل تعداد زیادشان از اندیشه‌ای متفاوت با عنصر اول برخوردار بوده (اندیشه‌ای آمیخته با خرافه و موهوم پرستی) و عنصر سوم که بیشترین تأثیر را نیز بر دو عنصر قبلی داشته است در شکل‌گیری فرهنگ این سرزمین نقش عمده‌ای را برعهده داشته‌اند. (عطار ۱۳۸۱، ۱۶۲)

حضور بریتانیایی‌های استعمارگر در هند که به خوبی از تأثیر دین در تحولات سیاسی هند آگاه بودند آنان را بر این داشت که به منظور در دست گرفتن حکومتی که بیش از هشت قرن در دست مسلمانان بود به جای نبرد با مسلمانان و دور ساختن آنان از حکومت به فکر کمک کردن به حرکت‌های سیاسی و نظامی غیرمسلمانانی بپردازند که آنان نیز کینه مسلمانان را در دل داشتند. به همین منظور سپردن تدریجی قدرت‌های محلی به حکام غیرمسلمان و تقویت ایشان را در پیش گرفتند تا هم به هدف میانی خودشان (سرنگونی حاکمیت مسلمانان بر هند) و هدف نهایی خود (به دست آوردن سرزمین هند) دست پیدا کنند. (عطار ۱۳۸۱، ۲۹۸-۲۹۹)

اما در خصوص شیعیان هندوستان با توجه به اوضاع پیش‌رویی که داشتند ذکر این نکته نیز لازم است که، شیعیان نه تنها روحیه فراگیری علوم دینی و علوم جدید را نداشتند، بلکه حتی از اهمیت آن نیز غافل بودند. کمبود مدارس و حوزه‌های دینی، غیرقابل اطمینان بودن روش تدریس و کمبود شاگردان علاقه‌مند و فعال، همه و همه اسباب ضعف شیعیان را فراهم آورده بود. (آراسته ۱۳۹۰، ۲)

نتیجه‌گیری

شیعیان نقش به‌سزایی در تاریخ هزار ساله اخیر هند داشته‌اند. گاه در اوج اقتدار و گاه در افول. قرون دهم تا سیزدهم هجری، برای جامعه‌ی شیعه‌ی هند به علت در دست گرفتن بخشی از حاکمیت،

پرورش علمای بزرگی همچون قاضی نورالله شوشتری، میرحامد حسین و... و در نهایت آزادی نسبی آحاد شیعه در ابراز عقایدشان قرون درخشانی بوده است.

البته این دوران طلایی رفته رفته از قرن سیزدهم به بعد رو به افول گذاشت و تا به امروز نیز ادامه داشته است. در این میان عوامل متعددی چون دسیسه‌چینی انگلیسی‌ها، فشار اهل سنت هند به تشیع، تجزیه‌ی پاکستان از هند و... در این امر دخیل بوده‌اند که تمامی این عوامل به وجودآورنده آسیب‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، علمی، اجتماعی و... بر جامعه شیعه هند شده است. پژوهش حاضر تلاش نمود تا برخی از این آسیب‌ها را مورد بررسی قرار دهد که اگر شیعیان با توجه به فرصت‌های پیش‌رویی که دارند بتوانند به نحوی صحیح عمل نمایند می‌توانند به جبران آنچه از دست داده‌اند بپردازند.

منابع

۱. ابن بابویه، محمد بن علی. صفات الشیعه. تهران: اعلمی، ۱۳۶۲.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم. لسان العرب. بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴.
۳. اخبار شیعیان. "گزارشی از آشنایی با شیعیان کشور هند." ۱۳۸۵.
۴. آراسته، عبدالعلی. "اوضاع شیعیان هند در عصر حاضر (امروز هندیان شیعه)." ماهنامه زمانه، ۱۳۹۰.
۵. بازرگان، مهدی. آزادی هند. بی جا: نشر امید، بی تا.
۶. بهروزان، گیله گل. هند. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۹.

۷. جرجانی, علی بن محمد. التعريفات. تهران: ناصر خسرو, ۱۳۷۰.
۸. جزری, ابن اثیر. النهایه فی غریب الحدیث و الاثر. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان, بی تا.
۹. جعفری, محمد مهدی. دایره المعارف تشیع. تهران: سعید محبی, ۱۳۷۳.
۱۰. جمشیدی بروجردی, محمد تقی. علل ریشه ای درگیری های مسلمانان و هندوها. تهران: وزارت چاپ و انتشارات امور خارجه, ۱۳۷۲.
۱۱. جوهری, اسماعیل بن حماد. الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیه. بیروت: دارالعلم للملایین, ۱۴۱۰.
۱۲. راغب اصفهانی, حسین بن محمد. مفردات الفاظ القرآن. دمشق: دارالعلم, دارالشامیه, ۱۴۱۲.
۱۳. رشاد, علی اکبر, و محمد علی حاجی ده. دانشنامه امام علی: آسیب شناسی تربیت دینی. تهران: بی نا, ۱۳۸۷.
۱۴. روحانی, حسن. آشنایی با کشورهای اسلامی. تهران: مشعر, ۱۳۸۸.
۱۵. سجادی پناه, علی. "بررسی وضعیت اقتصادی هند." مجموعه مقالات همایش تخصصی: نگاهی دوباره به وضعیت کشور هند, ۱۳۹۰.
۱۶. طباطبایی, محمد حسین. شیعه در اسلام. قم: بوستان کتاب, ۱۳۸۸.
۱۷. طریحی, فخرالدین. مجمع البحرین. تهران: کتابفروشی مرتضوی, ۱۴۱۶.
۱۸. عطار, علیرضا. دین و سیاست: مورد هند. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی, ۱۳۸۱.
۱۹. عمید, حسن. فرهنگ عمید. تهران: امیرکبیر, ۱۳۹۰.

۲۰. فراهیدی، خلیل بن احمد. کتاب العین. قم: نشر هجرت، ۱۴۱۰.

۲۱. قمی، عباس. سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار مع تطبیق النصوص الواردة فیها علی

بحار الانوار. قم: اسوه، ۱۴۱۴.

۲۲. کرم الهی، نعمت الله. اینترنت و دینداری. قم: مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۹۰.

۲۳. کلاهدوزی، احمد. "رویکرد تطبیقی به آموزش و پرورش هند." مجموعه مقالات همایش

تخصصی: نگاهی دوباره به وضعیت کشور هند، ۱۳۹۰.

۲۴. مارشال، گوردون. فرهنگ جامعه شناسی. تدوین توسط حمیرا مشیرزاده. تهران: میزان، ۱۳۸۸.

۲۵. محمدی، محسن، و مرتضی اشرفی. "بررسی و تبیین وضعیت علمی-فرهنگی مسلمانان

هندوستان." علوم سیاسی، ۱۳۹۳.

۲۶. مظفری، محمد حسن. "وضعیت شیعیان هند-مصاحبه با حجه الاسلام والمسلمین محمد حسن

مظفری." مجله امامت پژوهی، ۱۳۹۰.

۲۷. معین، محمد. فرهنگ معین. تهران: زرین، ۱۳۸۶.

۲۸. نواب، ابوالحسن. درسنامه جغرافیای تشیع؛ تشیع در جهان معاصر. قم: دانشگاه ادیان و مذاهب،

۱۳۹۳.

۲۹. واسطی زبیدی، محب الدین سید محمد مرتضی حسینی. تاج العروس من جواهر القاموس.

بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴.

۳۰. ورشنی، اشوتش. دایره المعارف دموکراسی. تدوین توسط سیمور مارتین لیپست و نسرین

پاشایی. تهران: کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۳.

۳۱. www.kayhan.ir/fa/news/ ۱۳۰۰۰. ۲۳ ۲ ۱۳۹۳. (دستیابی در ۴ ۱۵، ۱۳۹۷).

۳۲. www.shia-news.com/fa/news/ ۶۹۴۶۱. ۲۵ ۱۲ ۱۳۹۲. (دستیابی در ۴ ۱۵، ۱۳۹۷).

۳۳. www.wikifegh.ir ۱۳۹۵ ۱ ۲۵. (دستیابی در ۴ ۱۵، ۱۳۹۷).

Pathology of Present Situation of India's Shiites

Hamidreza Fathnejat (Corresponding Author)

Graduated of Religions college of Qom

Ali Almasi

Professor of Religion Group of Medical Sciences University of Alborz

Abstract

Tenth to thirteenth Hijrid centuries were brilliant ones for Shiite Indian society, because of gaining a part of dynasty of this land, training great scholars, and finally partial freedom of Shiites groups in stating their ideas. Gradually from thirteenth c. forward, those golden times decayed. What is continued during these two last centuries are effects such as English intriguing against Muslims after occupying India, Indian sonnies' pressures on Shiites as an innovation in the religion, separating Pakistan from India, and finally Indian movements wanting independency against English are the main impacting reasons on the Shiites situation in this land, that is the reason of decaying Shiite society in India. This paper decides to survey pressing harms on Shiites especially political, economic, scientific, and cultural ..., according to these reasons with a descriptive- analytical method.

Keywords: Pathology, Indian Shiites, Islam, Religion, Shooshtari Norollah, the Judge, Mir Hamed Hossein